

جستاری در میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی و عوامل مؤثر بر آن (نمونه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران) *

حبیب الله حلیمی جلودار^۱

چکیده

هدف از آموزش دروس معارف اسلامی در دانشگاهها، ارتقای سطح اعتقادات و پایبندی‌های دینی دانشجویان به موازات رشد علمی آنها در فضای دانشگاه است. متبلور کردن رفتارهای مذهبی و پدیداری خصیصه‌های مطلوب شخصیتی، می‌تواند نشان موفقیت در فرایند تعلیم و تربیت باشد. **هدف** این تحقیق، سنجش میزان گرایش دانشجویان دانشگاه مازندران به دروس معارف اسلامی از حیث ابعاد شناختی، احساسی و آمادگی عملی و بررسی عواملی است که بر گرایش آنها تأثیرگذار است. **روش:** این پژوهش با روش کمی و به صورت پیمایشی، با استفاده از تکنیک پرسشنامه در میان ۴۴۷ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شده است. سنجش‌های گرایش به دروس معارف اسلامی از اعتبار صوری و ضریب پایایی کافی (ضریب آلفای ۰.۷۷) برخوردار بوده است. **یافته‌ها:** میانگین گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی برابر با ۳.۰۲ و در سطح متوسط است. بیشترین میزان، به جنبه احساسی و کمترین میزان، به جنبه شناختی گرایش دانشجویان اختصاص دارد. عملکرد اساتید معارف در نظر ۴۰.۴ درصد از دانشجویان، در سطح قوی و کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی در نظر ۴۸.۳، در سطح متوسط ارزیابی شده است. همچنین هر دو عامل از تأثیر بالایی بر میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی برخوردارند. **نتیجه‌گیری:** ارتقای محتوای آموزشی افزایش گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی، مهم و ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: گرایش، دروس معارف اسلامی، عملکرد اساتید، متون آموزشی.

◇ دریافت مقاله: ۹۳/۱۲/۰۱؛ تصویب نهایی: ۹۴/۰۵/۲۳.

* این مقاله برگرفته از طرح دانشگاهی «بررسی گرایشهای فرهنگی دانشجویان»، به سفارش دانشگاه مازندران است

۱. دکترای مدرسی معارف اسلامی-تفسیر قرآن و متون اسلامی، عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران / آدرس: مازندران، بابلسر، میدان امام علی (ع)، دانشگاه مازندران، گروه معارف اسلامی / شماره: ۰۱۱۳۵۲۵۲۹۶۰ /

Email: jloudar@umz.ac.ir

الف) مقدمه و طرح مسئله

تعالیم اسلام در بر گیرنده همه ابعاد وجود انسان و تنظیم کننده روابط فردی و اجتماعی در تمام زمینه‌هاست. آموزه‌های اسلام برای تربیت انسانها در جهت کسب کمالات معنوی و انسانی و جلوگیری از قرار گرفتن در مسیر انحراف، برنامه و روش ویژه‌ای دارد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان تجلی یک خواست عظیم در دگرگونی همه‌جانبه، به ویژه دگرگونی فرهنگی در جامعه و در سطح نظام آموزش عالی، انقلاب فرهنگی در دانشگاهها و طرح مفاهیمی چون اسلامی شدن دانشگاه ظهور یافت. یکی از راهکارهای پیشنهادی در این راستا، برگزاری دروس معارف اسلامی بود. از سوی دیگر، ایران پس از انقلاب دائم تحت تهاجم فرهنگی قرار داشته و تلاش شده تا دین را در تضاد با مقتضیات دنیای جدید و تحولات معرفی کنند. هدف از تهاجم فرهنگی این است که مردم با رویگردانی از فرهنگ اسلامی به عنوان موجودی بی‌هویت و از خود بیگانه، پذیرای استیلای فرهنگی غرب شوند و در اندیشه و عمل، تحت مبانی ارزشی غربی در نظام فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار گیرند. نسل جوان جامعه و به طور خاص دانشجویان، به عنوان تأثیرپذیرترین اقشار در جوامع همواره مورد تأکید سیاستمداران و اندیشه‌مندان بوده‌اند. این نکته از آنجا در خور توجه ویژه است که جوانان به موازات خاصیت تأثیرپذیری، به واسطه نوع دغدغه‌ها و میزان پیگیری مطالبات خود، از قدرت اثرگذاری متناهی در جامعه برخوردار بوده، عامل ایجاد تغییرات در ابعاد مختلف جامعه بوده‌اند. در واقع؛ سیاستمداران تلاش می‌کنند با تحت کنترل قرار دادن آبخورهای فکری و فرهنگی جوانان و جهت‌دهی به کنشهای آنها، مسیر حرکت و تحولات جوامع را در دست گیرند.

برای سوق دادن جوانان به پابندی به مبانی ارزشی برخاسته از فرهنگ ایرانی- اسلامی، سازوکارهایی لازم است که از مهم‌ترین آنها، وجود برنامه آموزش دینی در نظام تعلیم و تربیت است. در این میان، دروس معارف اسلامی بناست با هدف بازگشت به اصالتها، به تقویت باورها، احساسات و کنشهای اسلامی مبادرت ورزد تا دانشجویان در برابر تهاجمها، به شکل خود اتکا و مستقل عمل کنند. (حاجپری، ۱۳۸۴: ۱۸)

هدف معارف اسلامی، شخصیت دادن به فرد و رساندن وی به منتهای کمال است. در واقع؛ متبلور کردن تدریجی رفتارهای مذهبی و پدیداری نگرشهای معنوی و نشانه‌های خصیصه‌های مطلوب شخصیتی، می‌تواند نشان موفقیت در یک فرایند تعلیم و تربیت باشد.

اما آنچه اهمیت دارد این است که رفتار مذهبی در بستر بازخوردها، باورها و بینش مذهبی حاصل می‌شوند نه صرفاً توسط کسب دانش مذهبی. همچنین برای اینکه بتوان باور و آمیزه‌ای از دانش و احساس

جُستاری در میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی ... ❖ ۳۱۹

مذهبی را به وجود آورد، باید ارکان فراگیران، اساتید، محتوای پیام و روشهای انتقال پیام را به طور همزمان مورد توجه قرار داد.

تأکید بر آموزش معارف دینی در دانشگاه و ارتقای سطح آگاهی‌های دینی دانشجویان به موازات تحصیلات تخصصی، توجه به این نکته مهم را بر می‌انگیزد که دروس معارف اسلامی با وجود رشد علمی دانشگاهها و افزایش سطح نیازهای معرفتی دانشجویان، تغییر نیازها و مطرح شدن سؤالات نو، تا چه حد با مطالبات و تمایلات دانشجویان همگام بوده است.

به نظر می‌رسد نحوه ارائه معارف اسلامی در قالب این دروس، امکان نیل به هدف یاد شده را به طور کامل محقق نسازد؛ زیرا نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد که میزان رضایت دانشجویان از محتوای کتب معارف اسلامی کمتر از حد متوسط است (لیاقت‌دار و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲). ارزیابی برنامه‌ها و ساختار دروس معارف اسلامی به منظور بررسی توانایی جذب و تأثیرگذاری بر دانشجویان و برآورد عواملی که در ارتقا یا افول تأثیرگذاری آن نقش دارند، به منزله الزام و ضرورت همیشگی برای توسعه راهبردی در محیط‌های آموزش عالی ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا سؤالات ذیل مطرح می‌شود:

۱. میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی چقدر است؟
۲. ویژگی‌های اساتید دروس معارف اسلامی تا چه حد در میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی تأثیرگذار است؟
۳. خصایص متون آموزشی دروس معارف اسلامی چقدر بر میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی اثرگذار است؟

در زمینه موضوع مورد مطالعه، پژوهشهای ارزشمندی انجام شده است که می‌توان به طور خلاصه به یافته‌های اصلی آنها به شرح ذیل توجه کرد.

نتایج تحقیق یوسفی لویه با عنوان «دروس معارف اسلامی، دانشجویان: نگرشها و گرایشها»، نشان می‌دهد که عمده‌ترین مشکلات دانشجویان در ارتباط با دروس معارف اسلامی عبارتند از: مشکلات اساتید دروس معارف اسلامی (۴۵ درصد)، محتوای دروس (۲۸.۵ درصد)، ضعف علمی منابع (۵۴ درصد) و نامناسب بودن نوع درس (۴۰ درصد). (یوسفی لویه، ۱۳۷۹)

در تحقیق دیگری آقاجانی قناد و فرزندوخی نشان دادند که سرفصل دروس معارف باید با مسائل سیاسی، اجتماعی و اخلاقی جامعه کنونی متناسب باشد؛ استادان به جای ارائه یک‌جانبه دروس، از شیوه دوطرفه پرسش و پاسخ بهره گیرند و علاوه بر ارتباط علمی، باید با دانشجویان رابطه عاطفی برقرار کنند؛ آنان باید اطلاعات علمی خود را در زمینه معارف اسلامی گسترش دهند. (آقاجانی قناد و فرزندوخی، ۱۳۸۰: ۱۳)

۳۲۰ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۴

«سنجش نگرش دانشجویان نسبت به برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی» عنوان تحقیقی است که مجیدی و فاتحی در سال ۱۳۸۸ انجام داده‌اند. نتایج تحقیق آنها بیانگر آن است که گرچه بیش از ۸۰ درصد از دانشجویان با اصل آموزش دروس معارف اسلامی در دانشگاه موافقت دارند، اما محتوای آموزشی و شیوه‌ارائه آن را تا حدی ضعیف قلمداد می‌کنند؛ به طوری که حدود ۴۶.۱ درصد دانشجویان از نگرش منفی به دروس معارف اسلامی برخوردار بوده‌اند. (مجیدی و فاتحی، ۱۳۸۸: ۱۷)

امینی و همکاران در پژوهش خود با عنوان «بررسی دیدگاه دانشجویان درباره‌ی موانع اثربخشی دروس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی کاشان» نشان دادند که از منظر دانشجویان، وضعیت کلی اجرای برنامه‌های درسی معارف اسلامی در دانشگاه نسبتاً در حد مطلوبی است؛ ولی در عین حال، از مجموعه‌ی عوامل محتوای آموزشی، روش تدریس، توانایی علمی اساتید، ویژگی‌های شخصیتی استادان، جایگاه دروس معارف اسلامی و نوع ارزشیابی در دروس معارف، نوع ارزشیابی به عنوان عمده‌ترین موانع اثربخشی ذکر شده است. (امینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۴)

بررسی یافته‌های تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که گرچه پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی دروس معارف اسلامی نسبت به ضرورت آموزش معارف اسلامی، موانع پیش روی آموزش و راهکارهای ارتقای آن تمرکز کرده‌اند، اما نسبت به میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف به طور وسیع‌دامنه و عوامل مؤثر بر آن به ویژه در سالهای اخیر با توجه به سرعت تغییر و تحولات جامعه و رصد نیازهای دانشجویان، کمتر تأکید و توجه شده است.

ب) نظریه‌های تحقیق

گرایشها از دسته مفاهیم مهمی‌اند که شناخت آنها برای درک اینکه افراد چگونه درباره‌ی پدیده‌ها فکر می‌کنند و نسبت به آنها به کنش می‌پردازند، یاری‌دهنده است. تعاریف و نظریات متعددی درباره‌ی گرایش وجود دارد؛ آلپورت اشاره می‌کند که واژه *Attitude* (گرایش) از لغت *Aptus* در زبان لاتین (به معنی تطبیق) مشتق شده است و یک آمادگی ذهنی برای یک عمل خاص را می‌رساند. (رفعی‌پور، ۱۳۷۲: ۵)

ابتدا به ارائه‌ی چند تعریف از نگرش می‌پردازیم: می‌نارد^۱ گرایش را آمادگی درونی یا به طور کلی آمادگی برای انجام عمل به نحوی خاص تعریف می‌کند. از نظر استوتزل^۲، گرایش وضعی است که یک شخص در برابر اشیاء حائز ارزش به خود می‌گیرد. فرولیک بر آن است که گرایش به معنی یک نظام از

1. J. Maynard
2. J. Stotzel

جُستاری در میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی ... ❖ ۳۲۱

تمایلات، عقاید و اعتقادات یک فرد نسبت به پدیده‌های محیط خود می‌باشد. این نظام از تمایلات و اعتقادات در طول زمان در پی تأثیرات محیطی و تجربیات شکل می‌گیرد و کم و بیش دارای قوام و دوام است (همان). همچنین سایر تعاریف به شرح ذیل است:

«ترکیب شناختها، احساسها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین». «حالت روانی و عصبی که از طریق تجربه سازمان‌یافته تأثیری پویا بر پاسخهای فرد در برابر کلیه اشیا با موقعیتهایی مربوط به آن دارد». «نگرشها نظامهایی پایدار از ارزیابی مثبت یا منفی، احساسات هیجانی و آمادگی‌های موافق یا مخالف برای عمل نسبت به اشیای اجتماعی‌اند». «نگرش، نظامی با دوام است که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک تمایل به عمل است». (قاسم‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۵)

آلپورت معتقد است که اکثر تعاریف ارائه شده پیرامون گرایش، دارای یک فصل مشترکند و آن عبارت است از: «آمادگی برای پاسخ دادن». در واقع؛ گرایش بیشتر به جای اینکه علنی و عملی باشد، نوعی حالت درونی و آمادگی است. به بیان دیگر؛ گرایش، رفتار نیست؛ بلکه پیش شرط رفتار است. بدین ترتیب گرایشها اغلب حاضر اما راکنند و تنها در صورت برخورد با صورت گرایش، در بیان و رفتار تجلی پیدا می‌کنند. (اوپنهام، ۱۳۷۵: ۶۷)

به اعتقاد توماس، مفهوم چند بُعدی گرایش که مبتنی بر بسیاری از تعاریف، شامل عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری است، مقبول‌ترین مفهوم برای تعریف گرایش است. بدین ترتیب، گرایش نشان‌دهنده اثر شناختی و عاطفی به جا مانده از تجربه شخص از یک موضوع اجتماعی و یک تمایل به پاسخ در برابر آن است. گرایش در این معنی، یک «مکانیسم پنهانی» است، که رفتار را هدایت می‌کند (کری، ۱۳۷۹: ۸). البته به اعتقاد وایت، تفکیک گرایش به عناصر مذکور، بیشتر یک کار نظری است؛ زیرا در تحقیقات تجربی پس از اینکه سه عنصر ذکر شده هر یک به معرفهای قابل سنجش تفکیک و بررسی شدند، این معرفها با هم همستگی نشان می‌دهند. این بدان معنی است که این زمینه‌ها از یکدیگر قابل تفکیک نیستند.

از آنجا که گرایشها را به طور مستقیم نمی‌توان سنجید، باید از پاسخهای (واکنشهای) فردی نسبت به یک پدیده^۱ استنتاج شوند. برتره، مایرز و آکر^۲ (۱۹۹۶) سه نوع پاسخ (واکنش فردی نسبت به یک پدیده) را ذکر کرده‌اند: شناختی^۳: آگاهی، دانش و درک؛ احساسی^۴: ارزیابی و ترجیح؛ رفتاری^۵: گرایش عملی. (برتره، مایرز و آکر، ۱۹۹۶ به نقل از شکر کن، ۱۳۷۵: ۱۰)

1. Attitude Object
2. Brtra, Myers & Aaker
3. Cognitive
4. Affective
5. Conductive

جزء شناختی نگرش، باورهای است که افراد درباره موضوع نگرش دارند. اساسی‌ترین شناختهایی که در نظام گرایش جای گرفته‌اند، باورهای ارزیابی‌کننده‌اند که متضمن اسناد دادن خصوصیات مطلوب یا نامطلوب، خوب یا بد به یک پدیده‌اند. همچنین جزء شناختی ممکن است مشتمل بر باورهای افراد درباره شیوه‌های مناسب یا نامناسب پاسخگویی به آن پدیده باشد. (شکرکن، ۱۳۷۱: ۱۱)

جزء احساسی به هیجانانی اطلاق می‌شود که به موضوع گرایش مربوط‌اند. موضوع نگرش ممکن است خوشایند یا ناخوشایند احساس شود. همین بار عاطفی است که به گرایشها خصوصیت پایداری و تحریک و انگیزندگی می‌بخشد. مثلاً کسی که به یک دین ایمان آورده است، آداب و رسوم آن در او احساس شور خاص برمی‌انگیزد، نسبت به این آداب و رسوم شیفتگی حس می‌کند و تحسین و احترام در او پدید می‌آید. بیک علاوه می‌کند که گرایش نسبت به یک چیز خاص منوط به رابطه وسیله‌ای بین آن چیز و اهداف ماست. بدین سان، افراد نسبت به چیزهایی که در نیل به اهداف یاری می‌رسانند، دارای احساس مثبت و نسبت به آنهایی که از رسیدن به اهداف باز می‌دارند، احساس منفی دارند.

در توضیح جزء عملی، ابتدا باید دانست که افراد نسبت به محرکهای بسیاری در محیط خود اینگونه پاسخ می‌دهند که ابتدا آنها را در مقوله‌هایی جای داده، سپس به مقوله‌های دیگر مرتبط می‌سازند. برخی از این مقوله‌ها عاطفی بوده، متضمن هیجان و احساسند. مقوله‌های دیگر از نوع هنجاری‌اند؛ بدین معنا که متضمن اندیشه‌هایی در این باره‌اند که کدام رفتار نسبت به اجزای یک مقوله خاص صحیح است. مثلاً شخصی ممکن است یک نقاشی را بر مبنای دوره، نقاش یا کشوری که در آن خلق شده است، دسته‌بندی کند. با اینگونه دسته‌بندی‌ها، حالات هیجانی خاصی، چه خوشایند و چه ناخوشایند و نیز باورهای درباره رفتار صحیح به وجود می‌آید (همان: ۱۴). دانبری (۱۹۹۵) می‌گوید که این جزء از گرایش، از این رو عملی نامیده می‌شود که کنش یا قصد انجام کنش است. (دانبری، ۱۹۹۵ به نقل از اسکافی، ۱۳۸۸-۸۹: ۱۴)

هر یک از اجزای گرایش (شناختی، عاطفی و رفتاری) خود دارای دو بُعد دیگرند: یکی «شدت»^۱ و دیگری «درجه پیچیدگی»^۲. همان‌طور که می‌دانیم، گرایش می‌تواند به صورت مخالف یا موافق با پدیده‌ای باشد، اما این فقط جهت نگرش را نشان می‌دهد و اغلب ضروری است که میزان موافقت یا مخالفت سنجیده شود. بنابر این، شدت، ترکیبی از جهت و نیرومندی هر یک از اجزای گرایش قلمداد می‌شود. اما در عین حال، هر سه عنصر گرایش از نظر درجه پیچیدگی می‌توانند متغیر باشند؛ مثلاً در بعد شناختی، اطلاعات افراد نسبت به موضوع، ممکن است بسیار ساده و شامل یک اطلاع باشد یا مجموعه‌ای از اطلاعات پیچیده را شامل شود. (اسکافی، ۱۳۸۸-۸۹: ۱۵)

1. Danbury

2. Valence

3. Multiplexcity

جستاری در میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی ... ❖ ۳۲۳

نکته آخر اینکه، گرایش فرد نسبت به یک موضوع می‌تواند تک بعدی، دو بعدی یا سه بعدی باشد. در واقع؛ گرایش می‌تواند دارای بُعد «شناختی» یا «شناختی و عاطفی» یا «شناختی، عاطفی و رفتاری» باشد. حضور عنصر شناختی در گرایش الزامی است؛ زیرا امکان ندارد فرد بدون شناخت، دچار احساس شود یا آمادگی انجام عمل پیدا کند. در واقع؛ داشتن شناخت، شرط لازم برای داشتن عاطفه یا داشتن آمادگی رفتاری است، ولی شرط کافی نیست. (حیدری چروده، ۱۳۷۷: ۱۴)

ج) عوامل مؤثر بر گرایش به دروس معارف اسلامی

در حوزه عوامل مؤثر بر میزان گرایش دانشجویان به بهره‌برداری از ارائه دروس، می‌توان به مفادی در نظریات صاحب نظران توجه کرد که کیفیت آنها در موضوع مورد مطالعه تأثیرگذار است. به عقیده *ثراندایک*، مهم‌ترین اصول ارائه محتوای آموزشی، عبارتند از: وضوح اهداف در آموزش، سازماندهی مطالب از ساده به پیچیده، تأکید بر فرایند ارزشیابی و ارائه پاسخ صحیح به پرسشها، آماده ساختن شاگردان برای یادگیری و ایجاد محیطی منظم برای آموزش، تکرار پاسخ صحیح و دادن پاداش به فراگیران پس از پاسخگویی صحیح آنان به پرسشها، برقراری ارتباط میان یادگیری‌های قبلی فراگیران با مطالب جدید، استفاده از واقعیتهای شناخته شده و محسوس در یادگیری، تمرین و تکرار مطالب و استفاده از مثالهای گوناگون. در این زمینه دیدگاههای سایر نظریه‌پردازان به عنوان نظریات متناظر و مکمل قابل توجه است. به طور مثال؛ گاتری علاوه بر مؤلفه‌های پیش گفته، در نظریه خود اصولی چون: نظم در کلاسها و ایجاد تداعی میان محرکهای معین و پاسخهای دلخواه را مورد تأکید قرار داده است. همچنین اسکینر، بر تقویت‌کننده‌های بیرونی و ثانویه مانند ستایش کلامی، بیانات چهره‌ای مثبت توجه نشان داده است. پاولف نیز در نظریات خود به ایجاد نظر مساعد در فراگیران نسبت به معلم و مواد درسی و... از طریق شرطی کردن آنها، به عنوان مهم‌ترین اصل در فرایند آموزش اشاره کرده است. (هرگنهان و اولسون، ۱۳۸۲: ۴۹)

اما در مجموعه عوامل اثرگذار در تدریس دروس معارف اسلامی، مقوله‌هایی همچون: محتوا، روش تدریس، توانایی علمی استادان، ویژگی‌های شخصیتی استادان، ارزشیابی و جایگاه دروس معارف اسلامی مطرح می‌شود. نکته مهم در حوزه محتوایی دروس، قدرت علمی منابع درسی، تدوین آن منابع بر مبنای اصول تخصصی طراحی و تنظیم محتوا و نیز محتوای شفاهی دروس که ناظر بر توضیحات استاد و تدریس وی در کلاس است، می‌باشد. از سوی دیگر، آشنایی با روشها و فنون تدریس در کاربرد مواد آموزشی، ارزشیابی مناسب (در فرایندی منظم، مستمر و آگاهانه) و فنون کلاس‌داری (جلب مشارکت دانشجویان در مباحث و طرح آزادانه سؤالات، عقاید و دغدغه‌های خود و ارتباط دوستانه با آنها)، وظیفه خطیر و عاملی مؤثر در اثربخشی آموزشها محسوب می‌شود. ویژگی‌های شخصیتی استاد به عنوان رکن فرایند تعلیم و

۳۲۴ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۴

تربیت از اهمیت ویژه برخوردار است. به خصوص در دروس معارف اسلامی، منش استاد و نهادپندگی علوم دینی در شخصیت وی، در کنار آشنایی کامل با آداب اجتماعی و داشتن شخصیت نافذ، بیشترین اثر را در کنار سایر عوامل در گرایش دانشجویان داراست. (امینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷-۳)

با توجه به نتایج تحقیقات پیشین و نیز مرور نظریه‌ها، به منظور بررسی گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی، اجزای شناختی، احساسی و عملی گرایش دانشجویان پیرامون موضوع تحقیق را بررسی کرده، برای سنجش عناصر تأثیرگذار، به ارزیابی نقش عملکرد اساتید و نیز متون آموزشی دروس معارف بر میزان گرایش دانشجویان پرداخته می‌شود.

(د) روش شناسی تحقیق

با توجه به ماهیت طرح، روش گردآوری داده‌ها در این طرح از روشهای کمی و به صورت پیمایشی^۱ با استفاده از تکنیک پرسشنامه^۲ بوده است. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه جامع مازندران، مشتمل بر گروههای آموزشی علوم انسانی، فنی-مهندسی، علوم پایه و هنر در بهمن ماه ۱۳۹۳ می‌باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول برآورد حجم نمونه کوکران با یک درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، ۴۵۰ پرسشنامه برآورد شده و تعداد ۴۴۷ پرسشنامه از میان دانشجویان تمامی گروههای آموزشی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای جمع‌آوری شده است.

در این تحقیق برای سنجش میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی و عوامل مؤثر بر آن، ابتدا گرایش دانشجویان در جامع‌ترین و مقبول‌ترین تعریف آن؛ یعنی در اجزای شناختی، احساسی و عملی مورد بررسی قرار گرفت و سپس ابعاد اصلی عملکرد اساتید معارف و نیز کیفیت متون آموزشی از دیدگاه دانشجویان در قالب طیف پنج مقوله‌ای لیکرت به قرار ۱، بیشترین تا ۵، کمترین میزان موافقت، ارزیابی شد. در مرحله بعد، میزان تأثیر این عوامل بر میزان گرایش دانشجویان بر مبنای محاسبات آماری بررسی شد.

از آنجا که اعتبار^۳ گویه‌ها و سنجه‌ها به نحوه تعریف مفهوم مورد بررسی بستگی دارد، ضمن استفاده از آزمون مقدماتی پرسشنامه در نمونه محدود^۴، برای ارزیابی اعتبار، از اعتبار صوری در این تحقیق استفاده شده است. بدین منظور، پرسشنامه تحقیق در اختیار برخی از اساتید و دانش‌آموختگان دانشگاهها قرار گرفت و اصلاحات لازم در آن لحاظ شد. برای ارزیابی پایایی سنجه‌ها، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده

1. Survey Method
2. Questionnaire
3. Validity
4. Pre-Test

جستاری در میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی ... ❖ ۳۲۵

شده است. ضمن اینکه بعد از استخراج نتایج آزمون مقدماتی پرسشنامه نیز برخی از گویه‌ها مورد اصلاح یا حذف و اضافه قرار گرفته‌اند. بنابر مقادیر شاخص آلفا، سنجه‌های گرایش به دروس معارف اسلامی از همبستگی درونی و ضریب پایایی کافی برخوردارند؛ به نحوی که مقدار ضریب آلفای شاخص گرایش به دروس معارف اسلامی برابر با ۰.۷۷ بوده است.

کار تجزیه و تحلیل اطلاعات پس از گردآوری پرسشنامه و کدگذاری و استخراج آنها توسط رایانه با نرم افزار اس.پی.اس.اس-۱۷ بر اساس فرضیات موجود صورت گرفته، خروجی‌ها به دو شکل توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در تحلیل توصیفی از جداول فراوانی، درصدها و... استفاده می‌شود. سپس به توصیف آماری پرداخته می‌شود. اما در سطح استنباطی که کار عمده پژوهش در آنجا انجام می‌گیرد، تعیین رابطه بین دو متغیر در جداول دو بعدی و رابطه معناداری آنها نیز با آزمونهای ضریب همبستگی اسپیرمن، کای دو، گاما و رگرسیون صورت می‌گیرد.

هـ) یافته‌ها

الف) توصیف ویژگی‌های جمعیتی

از مجموع ۴۴۷ نفر نمونه تحقیق؛ ۳۱ درصد از دانشجویان، مرد و ۶۹ درصد زن هستند. از حیث گروه آموزشی؛ ۴۹.۹ درصد از دانشجویان به گروه علوم انسانی، ۳۱.۲ درصد گروه علوم پایه، ۱۷ درصد فنی-مهندسی و ۱.۹ درصد به گروه هنر اختصاص داشتند. از نظر میزان تحصیلات؛ ۸۶ درصد از دانشجویان در مقطع لیسانس، چهار درصد فوق لیسانس و هشت درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بودند.

ب) توصیف متغیرهای تحقیق

در حوزه میزان گرایش به دروس معارف اسلامی، ملاحظه داده‌های بخش شناختی که در جدول ۱ به نمایش درآمده است، نشان می‌دهد که بیش از نیمی از دانشجویان (۵۳.۲ درصد) برآنند که دروس معارف رسالت خود را در برابر غرب انجام نداده‌اند. آگاهی‌های دینی حدود نیمی از آنها (۴۷.۵ درصد) پس از گذران دروس معارف اسلامی افزایش خاصی نیافته است. ۴۱.۷ درصد از دانشجویان موضوعات دروس معارف را متناسب با تحولات زمان ارزیابی نمی‌کنند. کمتر از یک سوم از دانشجویان محتوای دروس معارف را کاربردی (۲۴.۹ درصد)، سطح علمی دروس معارف را بالاتر از کتاب تعلیمات دینی مقطع دبیرستان (۱۹.۱ درصد)، مشاوره و گفتگو با اساتید معارف را مفید (۲۵.۹ درصد) و ارائه دروس معارف را در دانشگاه مفید (۳۱.۵ درصد) ارزیابی می‌کنند.

جدول ۱: جزء شناختی گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی

گروه‌ها	زیاد و خیلی زیاد	متوسط	کم و خیلی کم	میانگین
۱ کاربرد ی بودن محتوا و مضامین دروس معارف اسلامی	۲۴.۹	۴۶.۵	۲۸.۶	۳.۰۹
۲ تناسب سرفصلهای دروس معارف با تغییر و تحولات جامعه	۱۵	۴۳.۳	۴۱.۷	۳.۳۷
۳ همانندی سطح علمی دروس معارف دانشگاه با درس تعلیمات دینی دبیرستان	۱۹.۱	۴۴.۱	۳۶.۷	۲.۱۸
۴ انجام رسالت دروس معارف در برابر تهاجم فرهنگی غرب علیه عقاید دانشجویان	۱۱	۳۵.۷	۵۳.۲	۳.۶۳
۵ افزایش آگاهی در حوزه معارف دینی پس از گذران دروس معارف در دانشگاه	۹.۹	۴۲.۶	۴۷.۵	۳.۵۴
۶ مفید بودن نتایج گفتگوها و مشاوره‌ها درباره مباحث اعتقادی با اساتید معارف	۲۵.۹	۴۰.۸	۳۳.۳	۳.۱۵
۷ فایده‌مندی ارائه دروس معارف اسلامی در دانشگاه	۳۱.۵	۴۹.۸	۱۸.۷	۱.۸۷

داده‌های جزء احساسی گرایش دانشجویان در جدول ۲ نشانگر آن است که حدود نیمی از دانشجویان (۴۵.۱ درصد) پس از گذران دروس معارف اسلامی احساس اشباع معرفتی نمی‌کنند؛ از حذف دروس معارف اسلامی در دانشگاه احساس ناراحتی نمی‌کنند (۴۳ درصد)؛ احساس نشاط در کلاسها ندارند (۴۰ درصد)؛ دروس معارف اسلامی به عنوان یک درس نمره‌آور جذابیت زیادی دارد (۴۸.۹ درصد)؛ تمایل زیادی به استفاده از حداکثر غیبتهای مجاز خود دارند (۴۳.۸ درصد) و کمتر از یک سوم از دانشجویان به این دروس احساس تعلق خاطر می‌کنند (۲۸.۲ درصد).

جدول ۲: جزء احساسی گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی

گروه‌ها	زیاد و خیلی زیاد	متوسط	کم و خیلی کم	میانگین
۱ احساس نشاط در زمان حضور در کلاس دروس معارف اسلامی	۱۵.۵	۴۴.۵	۴۰	۳.۳۵
۲ میزان تعلق خاطر به دروس معارف اسلامی	۲۸.۲	۴۰.۷	۳۱	۲.۸۹
۳ احساس ناراحتی در صورت حذف دروس معارف از دروس آموزشی	۲۷.۳	۲۹.۷	۴۳	۲.۹۲
۴ احساس ترجیح یا ضرورت تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه	۴۱.۸	۳۳.۶	۲۴.۷	۲.۵۸
۵ جذابیت دروس معارف اسلامی دانشگاه بعنوان یک درس نمره آور	۴۸.۹	۳۳.۱	۱۸.۱	۲.۳۷
۶ تمایل به استفاده کردن از حداکثر غیبتهای مجاز خود در کلاسهای معارف	۴۳.۸	۲۵.۴	۳۰.۸	۲.۷۳
۷ احساس اشباع معرفتی پس از گذران دروس معارف اسلامی	۱۳.۳	۴۱.۶	۴۵.۱	۳.۴۶

داده‌های جزء عملی گرایش دانشجویان در جدول ۳ نشان می‌دهد که میزان مشارکت حدود نیمی از دانشجویان (۴۲.۲ درصد) در مباحث کلاسی، در حد متوسط است و نیز افزایش سایر آمادگی‌های عملی پس از گذران دروس معارف اسلامی، از جمله: تغییر مثبت در تربیت دینی (۴۱.۳ درصد)، تعهد به منشهای اخلاقی پسندیده (۴۷.۳ درصد)، آمادگی بیشتر برای دفاع از انقلاب (۴۳.۸ درصد)، تطبیق شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی با شخصیت‌های تاریخ اسلام (۴۹.۴ درصد)، آمادگی مراجعه و بهره‌گیری از متون دست اول (۴۲.۳ درصد) و آمادگی به پاسخگویی به شبهات اعتقادی (۵۴.۶ درصد)، در حد متوسط است.

جستاری در میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی ... ۳۲۷

جدول ۳. جزء عملی گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی

میانگین	کم و خیلی کم	متوسط	زیاد و خیلی زیاد	گویه‌ها
۳.۱۵	۳۴.۳	۴۲.۲	۲۳.۵	۱ میزان مشارکت در مباحث درسی در کلاسهای معارف اسلامی
۳.۰۶	۲۹.۹	۴۱.۳	۲۸.۸	۲ میزان تغییر مثبت در تربیت دینی پس از گذران دروس معارف اسلامی
۳	۲۴.۸	۴۷.۳	۲۷.۹	۳ گرایش بیشتر به تعهد به منشهای اخلاقی پسندیده پس از حضور در کلاسهای اخلاق اسلامی
۳.۲۱	۳۵.۱	۴۳.۸	۲۱.۲	۴ آمادگی بیشتر برای دفاع از انقلاب و ارزشهای آن پس از شرکت در کلاسهای درس انقلاب اسلامی
۳.۰۴	۲۵.۶	۴۹.۴	۲۵.۱	۵ تمایل بیشتر به تطبیق شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی فعلی با شخصیت‌های مطرح در تاریخ اسلام برای لحظات سرنوشت‌ساز حوزه سیاسی و دینی پس از گذران دروس تاریخ اسلامی
۲.۹۵	۲۵.۸	۴۲.۳	۳۱.۹	۶ آمادگی بیشتر جهت مراجعه و بهره‌گیری از متون دست اول دینی پس از تجربه حضور در کلاسهای متون اسلامی
۲.۹۶	۱۹.۵	۵۴.۶	۲۵.۸	۷ آمادگی و تمایل به پاسخگویی به شبهات اعتقادی مطرح شده پس از گذران دروس اندیشه اسلامی

یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که در بیشترین میزان، جزء احساسی گرایش با فراوانی ۴۶ درصد از دانشجویان نسبت به دروس معارف اسلامی در سطح زیاد و میانگین ۲.۵۸ بالاترین حد گرایش و جزء شناختی گرایش با فراوانی ۳۸.۳ درصد از دانشجویان در حد کم و میانگین ۳.۲، کمترین سطح گرایش دانشجویان نسبت به دروس معارف اسلامی را تشکیل می‌دهند. جزء عملی گرایش با میزان ۵۱ درصد از دانشجویان در حد متوسط، در وضعیت بینابین قرار دارد. شاخص کل گرایش نشان می‌دهد که در بیشترین میزان، ۴۰.۴ درصد از دانشجویان در سطح متوسط و در میزانی مشابه، ۲۹.۶ درصد و ۳۰ درصد به ترتیب دارای گرایش زیاد و کم نسبت به دروس معارف اسلامی می‌باشند.

جدول ۴: گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی

میانگین	کم و خیلی کم	متوسط	زیاد و خیلی زیاد	جزء شناختی
۳.۲	۳۸.۳	۳۵.۳	۲۶.۳	۱
۲.۵۸	۱۱.۳	۴۳.۶	۴۶	۲
۳.۰	۲۲.۴	۵۱	۲۶.۵	۳
۳.۰۲	۳۰	۴۰.۴	۲۹.۶	۴

جدول ۵ در حوزه عوامل مؤثر بر گرایش به دروس معارف اسلامی، دیدگاه دانشجویان درباره متون آموزشی معارف اسلامی، نشان می‌دهد که عمق محتوایی و قدرت علمی متون آموزشی از نظر ۴۴.۳ درصد در حد متوسط است؛ ۳۸.۵ درصد از آنها نگارش متون را سهل و روان و ۴۳.۳ درصد جذابیت موضوعات و

۳۲۸ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۴

سرفصلهای این متون را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. شاخص کل بیانگر آن است که حدود نیمی از دانشجویان (۴۸.۳ درصد)، کیفیت متون آموزشی را در سطح متوسط ارزیابی می‌کنند.

جدول ۵: ارزیابی دانشجویان از متون آموزشی معارف اسلامی

میانگین	کم و خیلی کم	متوسط	زیاد و خیلی زیاد	گویه‌ها	
۲.۷۲	۱۷.۹	۴۴.۳	۳۷.۷	عمق محتوایی و قدرت علمی	۱
۲.۹۲	۳۶.۶	۳۸.۵	۳۴.۹	سهل و روان بودن متن	۲
۳.۱۸	۲۴.۸	۴۳.۳	۲۱.۲	جذاب بودن موضوعات و سرفصلها	۳
۲.۸۸	۲۲	۴۸.۳	۲۹.۶	شاخص کل	۴

همچنین ارزیابی دانشجویان از عملکرد اساتید دروس معارف اسلامی در جدول ۶ نشان می‌دهد که بیش از نیمی از دانشجویان بر این باورند که اساتید معارف اسلامی از تسلط کافی بر مطالب درسی برخوردارند (۵۹ درصد)؛ متمرکز بر سرفصلهای درسی‌اند (۵۰.۹ درصد)؛ با دانشجویان ارتباط محترمانه و دوستانه دارند (۵۵.۸ درصد)؛ در انتقال مطالب درسی توانمندند (۴۷.۴ درصد) و از حیث شخصیتی دارای جاذبه‌های تربیتی می‌باشند (۴۱.۲ درصد). شاخص کل نشان می‌دهد که در میزانی مشابه، ارزیابی ۴۳.۹ درصد و ۴۰.۴ درصد از دانشجویان نسبت به عملکرد اساتید معارف به ترتیب در سطح متوسط و زیاد است.

جدول ۶: ارزیابی دانشجویان از عملکرد اساتید دروس معارف اسلامی

میانگین	کم و خیلی کم	متوسط	زیاد و خیلی زیاد	گویه‌ها	
۲.۳۳	۱۰.۱	۳۰.۹	۵۹	تسلط کافی بر مطالب درسی	۱
۲.۴۴	۹.۸	۳۹.۲	۵۰.۹	متمرکز بودن استاد بر سرفصل‌های درسی بجای پراکنده گویی	۲
۲.۵	۱۴.۷	۲۹.۵	۵۵.۸	ارتباط دوستانه و محترمانه با دانشجویان	۳
۲.۴۸	۱۰.۴	۴۲.۲	۴۷.۴	توانمندی استاد در انتقال مطالب درسی به دانشجویان	۴
۲.۶۵	۲۱.۵	۳۷.۲	۴۱.۲	جاذبه تربیتی شخصیت استاد	۵
۲.۶۶	۱۵.۷	۴۳.۹	۴۰.۴	شاخص کل	۶

بررسی میزان اثرگذاری عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی نشان می‌دهد که عملکرد اساتید معارف بر میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی از تأثیر معنادار زیادی برخوردار است.

جستاری در میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی ... ۳۲۹

جدول ۷: بررسی رابطه شاخص عملکرد اساتید معارف با میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی

ردیف	متغیرهای ارتباط عملکرد اساتید معارف با گرایش دانشجویان	مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	تسلط کافی بر مطالب درسی	۸۲.۳	۱۶	۰.۰۰۰
۲	متمرکز بودن استاد بر سرفصل‌های درسی بجای پراکنده گویی	۴۳.۸	۱۶	۰.۰۰۱
۳	ارتباط دوستانه و محترمانه با دانشجویان	۶۸.۹	۱۶	۰.۰۰۰
۴	توانمندی استاد در انتقال مطالب درسی به دانشجویان	۸۳.۳	۱۶	۰.۰۰۰
۵	جاذبه تربیتی شخصیت استاد	۴۷.۷	۱۶	۰.۰۰۰
۶	شاخص عملکرد اساتید معارف اسلامی	۰.۶۷	-	۰.۰۰۰

همچنین کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی بر میزان گرایش دانشجویان به معارف اسلامی در حد بالایی تأثیر معنادار دارد. بنابر این، به نظر می‌رسد که ارزیابی مثبت از کیفیت متون درسی باعث افزایش سطح گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی می‌شود و بالعکس.

جدول ۸: بررسی رابطه کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی با میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی

ردیف	متغیرهای ارتباط ارزیابی از کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی با گرایش دانشجویان	مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	عمق محتوایی و قدرت علمی	۸۹.۳	۱۶	۰.۰۰۰
۲	سهل و روان بودن متن	۹۹.۵	۱۶	۰.۰۰۰
۳	جذاب بودن موضوعات و سرفصلها	۱۱۲	۱۶	۰.۰۰۰
۴	شاخص کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی	۰.۶۱	-	۰.۰۰۰

و. جمع بندی و نتیجه گیری

در این تحقیق تلاش شد میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی و تأثیر عواملی چون: عملکرد اساتید معارف اسلامی و کیفیت متون آموزشی بر گرایش دانشجویان بررسی شود. همان گونه که ملاحظه شد، میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی با میانگین ۳.۰۲ در سطح متوسط است و از میان اجزای گرایش، بیشترین میزان به گرایش احساسی (میانگین برابر با ۲.۵۸) و کمترین میزان به گرایش شناختی (میانگین برابر با ۳.۲) تعلق دارد. تطبیق نتیجه تحقیق با یافته‌های پژوهش مجیدی و فاتحی (۱۳۸۸) که در آن ۴۶.۱ درصد از دانشجویان نگرش منفی به دروس معارف داشته‌اند، حاکی از افزایش گرایش مثبت به دروس معارف اسلامی، دست کم در میان دانشجویان دانشگاه مازندران است.

۳۳۰ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۴

نگاهی عمیق‌تر به یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در جزء شناختی گرایش به دروس معارف، در حالی که دانشجویان ارائه معارف اسلامی در فضای دانشگاهها را مفید می‌دانند (میانگین ۱.۸۷) و سطح علمی دروس معارف را بالاتر از تعلیمات دینی دبیرستان ارزیابی می‌کنند (۲.۱۸)، اما معتقدند که هنوز این سلسله دروس، رسالت اصلی خود را انجام نداده (۳.۶۳) و سطح آگاهی‌های آنها را نیز در حد مناسب ارتقا بخشیده‌اند (۳.۵۴). ساختار دروس نه چندان کاربردی است (۳.۰۹) و نه چندان متناسب با تحولات و نیازهای روز (۳.۳۷). بنابر این، سطح شناختی آنها نشان می‌دهد که دروس ارائه شده از حد انتظارات آنها فاصله دارد.

در بعد احساسی، گرچه در مقایسه با شاخص شناختی، میزان تعلق خاطر به دروس معارف اسلامی و احساس ترجیح یا ضرورت ارائه در دانشگاه و نیز احساس ناراحتی در صورت حذف دروس معارف از آموزش عالی، نشان‌دهنده گرایش بیشتر به دروس معارف از حیث احساسی است، اما افزایش میزان گرایش احساسی، تا حدودی مرهون جذابیت این دروس به دلیل نمره‌آور بودن و نیز رغبت نسبتاً زیاد برای استفاده از حداکثر حق غیبت مجاز در کلاسهای دروس معارف است. عدم یا کمبود احساس نشاط در زمان برگزاری کلاسها به ترتیب در میان ۴۰ درصد و ۴۵.۱ درصد از دانشجویان از خلأهای جدی در این حوزه است. همچنین در کلیه مؤلفه‌های شاخص عملی گرایش، تقریباً نیمی از دانشجویان در سطح متوسط گزارش شده‌اند.

در زمینه شاخص کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی، ارزیابی حدود نیمی از دانشجویان (۴۸.۳ درصد) در سطح متوسط است. در این میان، بیشترین میزان ارزیابی مثبت به عمق محتوایی کتابها (میانگین ۲.۷۲) و کمترین میزان به جذاب بودن سرفصلها و موضوعات اختصاص دارد (میانگین ۳.۱۸).

بررسی دیدگاههای دانشجویان در شاخص عملکرد اساتید معارف اسلامی نشان می‌دهد که در اکثر مؤلفه‌ها، نیمی از دانشجویان ارزیابی قوی از عملکرد اساتید داشته‌اند. بیشترین میزان ارزیابی مثبت، به تسلط کافی به مباحث درسی (میانگین ۲.۳۳) و کمترین میزان، به جاذبه تربیتی اساتید تعلق دارد (میانگین ۲.۶۵). بنابر این، ارزیابی مثبت دانشجویان نسبت به عملکرد اساتید معارف اسلامی بیش از کیفیت متون آموزشی است. اما در حوزه ارتباط، ارزیابی دانشجویان از عملکرد اساتید و متون آموزشی با گرایش آنها به دروس معارف اسلامی، هر دو عامل از تأثیرگذاری زیاد برخوردار بودند. یافته‌های تحقیق با نتایج پژوهش یوسفی لویه (۱۳۸۸) مبنی بر رضایت ۵۶ درصد از دانشجویان از سطح علمی اساتید معارف همخوانی دارد.

نتایج نشان می‌دهد که نگرش دانشجویان نسبت به عمق معارف اسلامی، ژرف‌تر از آنچه در دانشگاه، به خصوص در متون آموزشی ارائه می‌شود، است و بر این باورند که مطالعات کارشناسی پیرامون مضامین دینی و بهره‌گیری از آنها، هنوز با سطح انتظارات فاصله دارد و پاسخگوی نیازهای کاربردی و معرفتی آنها

جُستاری در میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی ... ❖ ۳۳۱

نیست. بنابر این، چون چنین شناخت و باوری نسبت به ماهیت معارف اسلامی دارند؛ در واقع معارف اسلامی ارائه شده از یک سو وسیله ارتباط عاطفی و معنوی با خدا و مقدسات دینی آنها را فراهم می‌کند (جنبه احساسی) و از دیگر سو از حیث عملی (یا آمادگی برای عمل)، پابندی به ارزشها را در عمل تشویق می‌کند، از حیث احساسی تعلق خاطر و گرایش بیشتری در مقایسه با سطح شناختی گرایش خود نسبت به دروس اسلامی اظهار می‌دارند.

اما در تبیین دلیل میزان تأثیرگذاری زیاد عملکرد اساتید معارف و سپس کتاب آموزشی بر میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی، جدا از اهمیت عوامل یاد شده به عنوان بنیانهای آموزش معارف اسلامی در دانشگاهها، آن گونه که نیساری تشریح کرده است، در روش سنتی تدریس، موضوع درس از طرف معلم و صرفاً با توجه به محتوا و برنامه‌ای که کتاب درسی از پیش آن را تعیین کرده، به طور یکسان به همه کلاس در برنامه زمانی مشخصی ارائه می‌شود. روشهای تدریس از نوع چهره به چهره و تقریباً ثابت است. یادگیری بر احساس نیاز شاگردان متکی نبوده، علت اصلی انجام تکالیف، رضای خاطر استاد و کسب نمره مناسب است. بر خلاف شیوه آموزشی مدرن که در آن به جای اکتفا به کتاب و استاد، فراگیران بر یادگیری خود کنترل داشته، در تجارب یادگیری به طور فعال درگیر می‌شوند، سرعت یادگیری را خودشان تعیین می‌کنند و بازخورد مناسبی در رابطه با یادگیری خود دریافت می‌کنند؛ به نظر می‌رسد از آنجا که شیوه آموزشی در دانشگاهها و به طور خاص آموزش معارف اسلامی بیشتر به شکل سنتی است، عملکرد اساتید و کیفیت متون آموزشی نقش بسیار تعیین کننده در گرایش دانشجویان دارد.



منابع

- آقاجانی قناد، محمدرضا و جمال فرزندوخی (۱۳۸۰). بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه ایلام نسبت به دروس معارف اسلامی. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه ایلام.
- اسکافی، مریم (۱۳۸۸). بررسی نگرش دانش آموزان مقطع متوسطه به اقامه نماز جماعت در مدارس و راهکارهای جذب. کارشناس تحقیقات خراسان شمالی.
- امینی، محمد و همکاران (۱۳۹۲). «بررسی دیدگاه دانشجویان درباره موانع اثربخشی دروس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی کاشان». اسلام و پژوهشهای تربیتی، ش ۱.
- اوپنهایم، ای. ان. (۱۳۷۵). طرح پرسشنامه و سنجش نگرشها. ترجمه مرضیه کریم‌نیا. مشهد: آستان قدس رضوی.
- حاجیلری، عبدالرضا (۱۳۸۴). شناخت نگرش دانشجویان پیرامون وضعیت روابط دختر و پسر در دانشگاهها. تهران: معاونت مطالعات راهبردی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
- حیدری چروده، مجید (۱۳۷۷). سنجش نگرش مدیران اجرایی جهادسازندگی استان خراسان نسبت به ترویج و مروجین و بررسی عوامل مؤثر بر آن. اداره کل جهاد سازندگی استان خراسان.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی؛ پژوهشی در سه استان اصفهان، فارس و خراسان. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- شکرکن، حسین (۱۳۷۱). پیدایش، شکل‌گیری و تغییر نگرشها. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- قاسم‌زاده مقدم، مرضیه (۱۳۷۹). سنجش نگرش دانش آموزان دوره متوسطه شهر مشهد نسبت به درس دینی و قرآن و عوامل مؤثر بر آن. آموزش و پرورش خراسان رضوی.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۹). نگرش و تغییر نگرش. تهران: ویرایش.
- لیاقت‌دار، مجید و همکاران (۱۳۸۷). «ارزیابی رضایتمندی دانشجویان از دروس عمومی در شهر کرمان». انقلاب اسلامی، ش ۱۴.
- مجیدی، محمدرضا و ابوالقاسم فاتحی (۱۳۸۸). «سنجش نگرش دانشجویان نسبت به برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی». تحقیق و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ش ۴۱.
- نیساری، سلیم (۱۳۸۱). کلیات روش تدریس. تهران: وزارت اطلاعات، چ دوم.
- هرگنجان، بی.آر. و واج اولسون (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه علی‌اکبر سیف. تهران: دوران.
- یوسفی لویه، مجید (۱۳۸۸). جایگاه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری و روحانیون در دانشگاهها (خلاصه تحقیق). تهران: معاونت مطالعات راهبردی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
- یوسفی لویه، مجید (۱۳۷۹). دروس معارف اسلامی، دانشجویان: نگرشها و گرایشها. تهران: دبیرخانه مجمع گروههای معارف اسلامی.

- Aghajani Ghannad, Mohammad Reza & Jamal Farzandokhi (2000). **Examining University Students' View about Islamic Theology Lesson on Ilam.**
- Amini, Mohammad and et.al. (2012). **"Examining University Students' View about Obstacle of Influencing Islamic Theology Lesson on Kashan azad Islamic University"**. *Islam and Educational Research*, No 1.
- Ghasemzade Moghaddam, Marzie (1999). **Evaluating Guidance School Students' View on Mashhad about Religion Lesson and Goran and Influential Factors on it.** Employer: Education and Teaching Research Experts of khorasan Razavi.
- Hajilary, Abdolreza (2004). **Recognition of University Students' View about the Situation of Girl and Boys Relations on Universities.** Secretary of Approaching Studies of the Great Leaders Representative Institute on Universities.
- Heidari Cherode, Majid (1997). **Examining Executing Managers' View on Jihad Sazandegi of Khorasan to the Promoting and Promoters and Examining Influential Factors on them.** Employer: Khorasan General Office in Jihad Sazabdegi.
- Hergnehan, B.R. & Waj Elson (2002). **Introduction on Learning Theories.** Ali Akbar Seif Translation. Tehran: Doran Publication.
- Karimi, Yousef (2010). **Views and Views Change.** Tehran: Virayesh Institute.
- Liaghatdar, Majid and et.al (2007). **"Evaluating University Students' Satisfaction from General Lessons on Kerman"**. *Islamic Revolution*, No 14.
- Majidi, Mohammad Reza & Abolghasem Fatehi (2008). **"Evaluating University Students View about Islamic Theology Lesson Planning"**. *Higher Education Research and Planning*, No 41.
- Neisary, Salim (2002) **Teaching Generality Method.** 2ed Volume, Tehran: information ministry publication
- Openhaym, A.N. (1995). **Questionnaire Design and Views Evaluation.** (Marzie Karimnia, Translator). Mashhad: Astan Ghods Razavi.
- Rafipour, Faramarz (1992). **Evaluating Rural Tendency to Jihad Sazandegi, Research on three Provinces of Isfahan, Fars, and Khorasan.** Tehran: Research and Examining Rural Problems Institute of Jihad Sazandegi Ministry.
- Shokrkon, Hossein (1991). **Creation, Forming and Changing Views.** Ahvaz: Shahid Chamran University.
- Skafi, Maryam (2008). **Examining Guidance School Students' View about Presenting Collective Prayers on Schools and Attracting Approaches.** Employer: North Khorasan Research Expert.
- Yousefi Levie, Majid (2009). **Islamic Theology Lesson, University Students, Views and Tendency.** Tehran: Islamic Theology Groups Association Office.

- Yousefi Levie, Majid (2009). **Research Summary, the Great Leader Representative Status and Clergies on Universities.** Approachable Studies Secretary of the Great Leaders Representative Institute on Universities.

